

# سبک زندگی و فرهنگ اسلامی

## \*نگارنده: سید محمد طباطبائی\*

### کلید واژه ها: فرهنگ، سیره شناسی، سبک زندگی، انسان شناسی اسلامی، فقه

#### چکیده

سبک زندگی امری است جامع الأطراف که بررسی شیوه زندگانی از مسائل شخصی تا اجتماعی و اقتصادی. زندگی لیبرال و زندگی مارکسیست و زندگی اسلامی سه نوع سبک زندگی به عنوان مثال - می باشند که در تمام ابعاد زندگی بشر تأثیر گذار بوده اند. آن چه بر این سلوک بشری مؤثر خواهد بود، همانا فرهنگ آن جامعه است که معرف آن نیز می باشد. ما در این مقاله به بیان ارتباط فرهنگ و سبک زندگی و جایگاه فرهنگ در این میان پرداخته ایم تا یکی از نکته های مهم در تبیین سبک زندگی و همچنین راه اصلاح آن را تلویحی مطرح کرده باشیم. همچنین نقش سیره شناسی اسلامی و فقه را بررسی نموده ایم. منابع فرهنگ گاهی به نحو قضیه خارجی مورد بررسی قرار می گیرد و گاهی به نحو قضیه حقیقیه. ما در مقاله به هر دو نحو تقسیم کرده ایم.

#### مقدمه

مقام معظم رهبری امام خامنه ای در ۲۳ مهر سال ۹۱ نظریه سبک زندگی صحیح را مطرح کردند و این بحث را به همراه سؤالاتی چند پیرامون این موضوع آغاز نمودند. ما در این فرصت در پی آن هستیم تا بتوانیم به صورتی علمی این مسئله را واکاوی کنیم و به انتظار مقام عظمای ولایت لباس تحقق ببوشانیم. از این رو با بررسی فرهنگ و تمدن آرمانی دین مقدس اسلام به بررسی این موضوع مهم می پردازیم تا بتوانیم ایدئولوژی صحیح دینی را تبیین نماییم. برای آن که بتوان به مقصد مقصود و آن هدف مطلوب رسید بایستی مقدماتی را طی کرد که عبارت است از: تعریف دقیق از فرهنگ، تشریح منابع فرهنگ اسلامی و به تبع آن، بیان ارتباط فرهنگ دینی با مبانی انسان شناسی، بررسی نقش سیره شناسی در ایجاد فرهنگ اسلامی، جایگاه دیدگاه های فقهی در تدوین فرهنگ اسلامی و اشاره به اقسام سیره شناسی اسلام (اقتصادی، اخلاقی، سیاسی، فرهنگی-اجتماعی و نظامی) است.

#### تعریف فرهنگ

پیرامون تعریف فرهنگ، دیدگاه های گوناگون در نظرات جامعه شناسان و انسان شناسان فرهنگی یافت می شود. برای نمونه کلیفورد گیرتس فرهنگ را این چنین تعریف می کند: «الگویی از معانی تجسم یافته در نماد ها که از حیث تاریخی قابل انتقال است، دستگاهی از مفاهیم موروثی متجلی در شکل های نمادینی که انسان ها به وسیله آن ها دانش خود درباره زندگی و نگرش هایشان را در برابر آن منتقل می کنند، استمرار می بخشند و توسعه می دهند.»<sup>۱</sup>

<sup>۱</sup>هال، جان آر و جونیتس، مری، ترجمه فریبرز مجیدی، 1390، فرهنگ از دیدگاه جامعه شناختی ص 13، انتشارات سروش، تهران

حال باید دید چگونه می توان به تعریف فرهنگ پرداخت و این ابهام گسترده را برطرف ساخت. پیش از آن که تعریف دقیق فرهنگ را ارائه دهیم لازم است مقدماتی را عرضه می کنیم:

۱. فرهنگ، امری اعتباری است. بنابر این، تعریف آن، کشف و ادراک اعتبار است.
  ۲. مقیاس ادراک اعتبار، فهم لغویّت و عدم آن است. یعنی معتبر برای فایده ای خاص، امری را اعتبار می کند.<sup>۱</sup>
  ۳. مقیاس لغویّت در معرفّ (فرهنگ) را در تعریف قرار می دهیم. یعنی چون فرهنگ، صرف اعتبار است و در ایجاد آن، این وجه مورد نظر بوده، بنابر این، در تعریف فرهنگ نیز این امر را توجه می کنیم و دقت می نماییم تا در تعریف خود، حیث لغویّت در اعتبار فرهنگ را رعایت کنیم.
  ۴. در تعریف فرهنگ، باید مشاهده نمود کدامین امور، موضوعاً در فرهنگ داخل است.
  ۵. برای تعریف فرهنگ، ضروری است بدانیم جامعه از معتقدات، رسوم و مناسبات افراد تشکیل می شود و بنابر این، فرهنگ هر جامعه را مختصات آن جامعه تشکیل می دهد.
- تعریف صحیح فرهنگ بنابر مقدمات گذشته اینچنین می شود: فرهنگ، آداب، اخلاق، اختصاصات و شیوه های رفتاری هر قوم است که مبتنی بر پیش های مرتبط بر آن قرار می گیرد.

## چیستی منابع فرهنگ

حال باید دید فرهنگ ها از چه منبعی اخذ می شوند؟

۱. دین  
هر دین و آیینی که در جوامع نفوذ کند و بر تفکر مردم آن دیار اثر بگذارد، موجب تغییر در اعمال آنان می گردد. برای مثال، تأکید اسلام بر حرمت بی حجابی، سبب التزام مردم به حجاب می گردد. حال آن که در دیگر جوامع، نه تنها حجاب را اجبار نمی کنند بلکه زنان به پوشش هیچکدام از اعضای خود، میلی ندارند. دین است که جهان بینی الهی می سازد وایدئولوژی الهی تحویل می دهد.
۲. حکومت  
مطمناً هر نظام سیاسی در ایجاد ساختارهای فرهنگی مؤثر است. یک حکومت می تواند با ساخت مساجد و ارسال مبلغین گوناگون، سبب فزونی در اعتقاد و اسلام مردم جامعه شود. همان طور که می تواند آنان را به پیروی از هر دین که بخواهد براند می تواند آنان را در مقابل انجام ندادن آن، مؤاخذه نماید. برای مثال در ایران؛ پیش از پیروزی انقلاب اسلامی، اماکن فساد به طور رسمی فعالیت می کردند اما پس از انقلاب، فرهنگ شهادت جای آن را گرفت.
۳. تبدلات فرهنگی  
از جمله آثار روابط جوامع با یکدیگر که در زمان حاضر به دهکده جهانی تعبیر می شود انتقال فرهنگ هاست. چنانکه فرهنگ اسلامی در میان مردم اروپا نفوذ کرده و کشور فرانسه از مسلمانان بسیار برخوردار است.

۴. استعمار و استثمار

از دیگر مواردی که سبب به هم خوردن نظم فرهنگی جوامع گردیده است، استعمار بیگانگان و استثمار مزدوران آن هاست. برای نمونه، حکومت بریتانیا با استعمار گری توانست زبان برخی کشورها را تغییر دهد و شیوه پوشش لباس آنها را مطابق با جامعه خود سازد.

۵. تهاجم فرهنگی

از جمله راههای ایجاد یک فرهنگ نوین در جامعه، تلاش یک حکومت دیگر برای القاء فرهنگ خود و تخریب فرهنگ های دیگر است. مانند آن چه پس از رحلت حضرت امام خمینی ره بر جامعه اسلامی ما گذشت. دولت‌های بیگانه در این فرصت بر آن شدند تا با گسترش فساد در جامعه، القاء شبهات گوناگون و تزلزل در پایه های اعتقادی که سبب التزام به فرهنگ اسلامی می شد بتوانند مسیر انقلاب اسلامی را از راه اصلی خود که مسیر صفا، ایمان و ولایت پذیری بود جدا کنند.

## منابع فرهنگ اسلامی

از آن جا که عمل تابع علم است، فرهنگ نیز تابع نوع نگرش معرفتی و معرفت شناسی می باشد. بنابراین لازم است پیرامون نظام معرفتی اسلام و منابع فرهنگ اسلامی سخن بگوییم.

۱. قرآن و حدیث

۲. عقل: عقلی که به عنوان منبع معرفتی به شمار می آید، عقل برهانی یقینی است که از خطا مصون است. به بیان منطقی، علم انسان آنگاه یقین بالمعنی الأخص است که اولاً غیر تقلیدی باشد، ثانیاً اعتقاد جازم غیرظنی باشد، ثالثاً مطابق با واقع باشد. بحث مفصل را به معرفت شناسی، اصول فقه و منطق می سپاریم.

۳. سیره

از منابع مهم در فهم فرهنگ اسلامی، سیره معصوم و به بیان اصولی، سنت است. عمل معصوم حجیت دارد و استنباط حکم فقهی از فعل او (ع) کار فقیه است. لیکن برای استنباطات اخلاقی، به سیره معصوم که سیره اسلام می باشد، احتیاج داریم.

## ارتباط فرهنگ دینی با مبانی انسان شناسی

از آن جا که در تعریف فرهنگ، آن را از اختصاصات جوامع و تابع آن می دانیم و رسالت انسان شناسی را بررسی مسیرهای تکامل بشر؛ بایستی میان فرهنگ و انسان شناسی اسلامی ارتباط قائل شویم. زیرا جامعه تابع فرد است و تا ماهیت حقیقی انسان را مشخص نکنیم نمی توانیم به بررسی احوال جامعه و به تبع آن، فرهنگ بپردازیم. بنابراین، ما در انسان شناسی، ابتدا انسان حقیقی را معرفی می کنیم. سپس غایت فرد را بر اساس آن، ترسیم می کنیم و به دنبال آن، غایت جامعه را که تنها از همان افراد تشکیل شده است نمایان می سازیم. نقش فرهنگ دینی در این میان، عبارت است از ترسیم مسیر تکامل الهی جامعه بر اساس اختصاصات آن مبتنی بر مشترکات اعتقادی آن. در حقیقت، تکامل جامعه همان تکامل انسان ها است که فرهنگ عهده دار آن است.

آنچه ما را در این مجال رهنمون می شود دقت بر این مطلب است که فرهنگ در هر کدام از جوامع بشریت، هویت آن را می سازد و اگر ما بخواهیم جامعه ای با هویت دینی داشته باشیم، ضروری است به فرهنگ اسلامی آن توجه کنیم و فرهنگ اسلامی محقق نمی گردد جز با توجه به منابع معتبر آن و تکامل فرد فرد انسان ها در مسیر تکامل وجودی آن هاست.

## نقش سیره شناسی در ایجاد فرهنگ اسلامی

سیره معصوم عبارت است از قول و فعل و تأیید او که در میان فقهای شیعه به سنت مشهور است. علم سیره شناسی مطمئناً از دانش انسان شناسی اسلامی بهره می گیرد و این بهره مندی به سبب آن است که ما در پی تأسی به انسان کامل و ولی الله هستیم.

در حقیقت، آن گاه که از قول، فعل و تقریر معصوم سخن به میان می آوریم از سیره کسی سخن می گوئیم که غایت آفرینش است و محور هستی. ما در انسان شناسی اسلامی در پی بررسی ساختار انسان هستیم تا مسیر تکامل او را دریابیم. از این رو بهترین نظام انسان شناسی، نظام ممزوج به عرفان است. زیرا آن چه در میان اهل معرفت از جایگاه به سزایی برخوردار است مسئله انسان کامل و ولایت است. از این رو ما برآن هستیم که نقطه پایانی در مباحث انسان شناسی، مسئله انسان کامل و به تبع آن، ولایت معصوم است.

حال باید دید نقش سیره انسان کامل در ایجاد یا اصلاح فرهنگ چیست؟

مقام ولایت عبارت است از وجه الله، فیض الله، فعل الله و شدیدترین رتبه در وجود. در بیان جایگاه امام معصوم که مصداق اتم ولی الله و انسان کامل است می فرماید: « بوجوده ثبتت الأرض و السماء»<sup>1</sup>

بنابر آن چه گفته شد، فیض الهی از مجرای انسان کامل و مقام ولایت معصوم صادر می گردد و لذا هدایت بشر به دست مقام گهر بار او و تکامل جوامع در پیروی از تکامل فرد، تابع هدایت - گری حضرتش می باشد. بنابر این، سیره ایشان حجیت و پیروی از آن ضرورت دارد و زندگی او منزل گاه اهل نور و معرفت. و این همان نقش سیره شناسی اسلامی در ایجاد فرهنگ اسلامی است.

## اقسام سیره شناسی اسلامی

سیره اسلام در چند بخش مورد توجه است:

1. سیره عبادی: عبادت عبارت است از خضوع انسان در برابر حق تعالی به نیت ربوبیت والوهیت او. حضرت آیت الله جوادی آملی پیرامون آیه « وما خلقت الجنّ و الإنس إلا ليعبدون » می فرمایند:  
« آنچه در آیه محل بحث واقع شده است، مشتمل بر دو قضیه ایجابی و سلبی است و مفاد آن، این است که هیچ مقصد و مقصودی و هیچ غایت و هدفی در آفرینش جنّ و انس نبود و نیست، مگر عبادت آنها در ساحت قدس ربوبی خداوند. پس اگر انسان مثلاً پاره ای از وقت شبانه روز را صرف فرایض کند و به احکام واجب خود عمل کند و در طول زمان از گناه بپرهیزد و بقیه وقت فارغ را به کارهای عادی که صبغه عبادی ندارد، بپردازد، چنین کسی بر فرض تک قضیه بودن مفاد آیه، به غایت خلقت رسیده است، لیکن بر فرض تک قضیه نبودن مضمون آیه، به هدف خلقت نرسیده است؛ زیرا بر این فرض که صحیح و مطابق آیه محل بحث است، مفاد آیه این است که آفرینش انسان و جنّ، فقط برای عبادت است و اگر او کار غیر عبادی انجام داد، در آن زمان از هدف دور شده است؛ بنابراین، باید تمام کارهای انسان، صبغه عبادی داشته باشد و مباح را هم در راستای خدمت اجتماعی و احسان و ایثار قرار دهد.

<sup>1</sup> حافظ برسی، رجب بن محمد، مشارق أنوار الیقین فی أَسرار أمير المؤمنين، ص 157

انسان کامل، به چنین مقصد والایی بریافته است؛ لذا حضرت ختمی نبوت و رسالت (صلی الله علیه وآله وسلم) می فرماید: ﴿إِنَّ صَلَاتِي وَنَسْكَي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ﴾ و در زیارت «آل یس» به ساحت حضرت ختمی وصایت ع عرض می شود: «السلام علیک فی آناء اللیل و أطراف... و حین تصبیح و تمسی»؛ یعنی بر تمام احوال، شئون و اوقات شبانه روزت تحیت و درود می فرستیم و این نیست، مگر برای آنکه جمیع شئون آن ذات قدسی صبغه عبادی دارد؛ همان طور که خواسته امیرمؤمنان (علیه السلام) چنین بوده است: «... و حالی فی خدمتک سرمداً». <sup>۱</sup> پس در حقیقت، سیره اساسی دین مقدس اسلام، عبادت است و هر آنچه در ذیل خواهد گذشت بایستی از مصادیق این بخش قرار گیرد

## ۲. سیره اخلاقی.

اخلاق، عبارت است از امور فطری ثابت نزد انسان ها که قواعد اساسی زندگی را تشکیل می دهد. به عبارت دیگر، اخلاق یعنی «مسائل و دستور هایی که درباره چگونه بودن انسان از نظر صفات روحی و خصلت های معنوی است. از قبیل عدالت، تقوا، شجاعت، عفت، حکمت، استقامت، وفا، صداقت، امانت و غیره». <sup>۲</sup>

۳. سیره اقتصادی : بحث از سیره اقتصادی اسلام بسیار طولانی است لیکن در توجه به سیره اقتصادی اسلام، توجه به چند مسئله ضرورت دارد:

۱. اقتصاد، در جهت تکامل است نه به سمت غرق گشتن در دنیا.
۲. چون اقتصاد نیز در جهت تکامل و بندگی است اولاً انسان اصالت ندارد و ثانیاً نباید گذاشت افراد ضعیف محروم از معیشت باشند زیرا ملازم تبعیض و بی عدالتی است.
۳. منشأ تلاش ها نباید از طریق تزییع حقوق دیگران باشد مانند ربا، دروغ و ...
۴. نباید تعامل اقتصادی سبب تسلط کفار بر مسلمانان گردد.

## ۴. سیره سیاسی :

در سیره سیاسی اسلام، حاکمیت مطلق از آن حق تعالی می باشد و هر گونه حکومت لازم است به تأیید حکم او اظهار ولایت نماید در غیر این صورت، طاغوت شمرده شده و مبارزه با او واجب است. در سیره سیاسی اسلام، اخلاق حاکم است و نباید در مقابل دشمنان دین خدا سر فرود آورد. «هدف نهایی سیاست در اسلام دستیابی به فضیلت و کمال و استکمال انسان هاست. حکمت الهی اقتضا می کند که انسان در جهت هدف و کمالی که برایش در نظر گرفته شده سوق داده شود، در این راستا، در حکومت اسلامی، که در جهت بسط عدالت و نظم که از اهداف میانی است می کوشد، کرامت و تقوی هدف سیاست است. و از نظر اسلام کرامت در سایه حاکمیت الهی تحقق می یابد.» <sup>۳</sup>

## ۵. سیره اجتماعی :

جامعه، امری است اعتباری که هویتی مستقل از افراد خود ندارد بلکه به سبب اجتماع گروه هاست که خواصی بر آن مترتب می گردد و ترکیب آن تشکیل می شود. در سیره اجتماعی اسلام، سخن از حقوق باری تعالی و حقوق متقابل انسان هاست که موجب تکامل انسان ها می گردد.

1 آیت الله جوادی املی، عبدالله، ادب فنای مقربان، ج 2، صص 403-403

2 مجموعه آثار استاد شهید مطهری، ج 3، ص 57

3 آیت الله مصباح، محمد تقی، پاسخ استاد به جوانان پرسشگر، ص 224

## جایگاه دیدگاه های فقهی در تدوین فرهنگ اسلامی

فقه عبارت است از علم به احکام شرعی دین بر اساس ادله تفصیلی اجتهادی<sup>۱</sup>. بنابر این، فقه راهی است برای شناخت احکام الهی بتوان در مسیر تکامل قرار گرفت. استاد شهید مرتضی مطهری ره ترسیم زیبایی از تنوع مباحث فقه ارائه می دهند:

« برخی موضوعات فقهی صرفاً در زمینه انجام بعضی وظایف فطری مربوط به پرستش است که یک تجلی از تجلیات فطری روان آدمی است، یعنی یک سلسله آداب و مقررات است در زمینه این تمایل فطری، و در حقیقت مربوط است به تنظیم علاقه پرستش میان مخلوق و خالق خودش. نماز، روزه، اعتکاف از این قبیل است.

برخی مربوط است به خدمات و تعاونها، و اسلام عنایت خاص دارد که این گونه کارها که یک سلسله کارهای اجتماعی است توأم با روح پرستش باشد مانند زکات، خمس. و از این قبیل است مسئولیتهای اجتماعی و سیاسی از قبیل جهاد، امر به معروف و نهی از منکر، سبق و رمایه. بعضی مربوط است به رابطه انسان با نفس خودش از قبیل وجوب حفظ نفس، حرمت اضرار به نفس، حرمت خودکشی، حرمت عزوبت (در بعضی موارد). بعضی مربوط است به شرایط بهره مندی انسان از مواهب طبیعی و حدود آن که صرفاً در روابط انسان با طبیعت خلاصه می شود. اطعمه و اشربه، صید و ذباحت و حتی احکام البسه و امکان و احکام ظروف و اوانی از این نوع است.

بعضی دیگر مربوط است به روابط انسان با طبیعت و مواهب طبیعی از یک طرف و انسانهای دیگر ذی استحقاق مانند او از طرف دیگر، و در حقیقت مربوط است به اولویتهای افراد نسبت به افراد دیگر در بهره مندی از مواهب طبیعی، یعنی مربوط است به مالکیتهای ابتدائی و بلاعوض از قبیل احیاء موات، زراعت، ارث، تملک محصول کار خود و امثال اینها. و بعضی مربوط است به نقل و انتقالهای اقتصادی مانند بیع، اجاره، جُعالة، هبه و صلح و غیره. و بعضی به حقوق خانوادگی مانند نکاح، طلاق، ظهار، ایلاء، لعان. برخی به حقوق قضائی مانند قضاء، شهادت، اقرار.

برخی مربوط است به حقوق جزائی و جنائی مانند حدود، تعزیرات، قصاص و دیات. برخی مربوط است به ضمانات مانند غصب، حواله و غیره. و برخی مربوط است به شرکتهای میان سرمایه و سرمایه یا میان سرمایه و کار مانند شرکت مضاربه، مزارعه، مساقات. برخی دارای چند جنبه است مانند حج که هم عبادت است و هم تعاون است و هم کنگره اجتماعی. یا سبق و رمایه که از نظر شرط بندی، مالی است و به امور مالی و روابط اقتصادی مربوط است و از نظر اینکه هدف تمرین عملیات سربازی است به مسئولیتهای اجتماعی و سیاسی مربوط می شود.<sup>۲</sup>

بنابر این، فقه دانشی است که تمام ابعاد زندگی انسان را در نظر دارد و زندگی فردی و اجتماعی اش را با خطابات قانونی یا شخصی (بر مبنای موجود) تنظیم می دارد. چه اقتضای حکمت حق تعالی بر این است که اسباب ایصال به غایت مطلوب از خلقت خود را فراهم نماید و این تنظیم، آن را مهیا می سازد. بنابر آن چه گفته شد جایگاه فقه در ایجاد و تعمیر فرهنگ اسلام، روشن و مشخص می گردد. ایجاد می کند زیرا سنگ بنای حکم و تقنین است و تعمیر می نماید آن گاه که انحرافات

<sup>۱</sup> حلی، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی، منتهی المطلب فی تحقیق المذهب، ج ۱، ص ۷-حلی، فخر المحققین، محمد بن حسن بن یوسف، ایضاح الفوائد فی شرح مشکلات القواعد، ج ۲، ص ۲۶۴ - حلی، مقداد بن عبد الله سیوری، التتقیح الرائع لمختصر الشرائع، ج ۱، ص ۵

<sup>۲</sup> شهید مطهری، مرتضی، کلیات علوم اسلامی، ج ۳، صص ۱۴۰-۱۴۱

پیش آید. از این رو، ضرورت توجه به فقه و فقهت در راستای اصلاح سبک زندگی اسلامی دانسته می شود. مقدمه آیت الله جوادی آملی بر کتاب مفاتیح الحیاء مرجعی اساسی در متمیم این مبحث (نقش فقه در سبک زندگی) می باشد.

نکته دیگر در این مجال، توجه به تأثیر فقه بر مدیریت اجتماعی و نگاه کلان محور آن در اصلاح امور جامعه است. مدیریت جامعه در چند بخش قابل تصویر است:

۱. مدیریت فرهنگی
۲. مدیریت سیاست خارجی
۳. مدیریت خرده نظام های اجتماعی، مانند نظام خانواده، آموزش و پرورش و ...
۴. مدیریت اقتصادی
۵. مدیریت ساختاری و محورگون، مانند برنامه ریزی های کلان و نظام بخشی به شیوه های حکومتی
۶. مدیریت سلامت روانی و جسمانی اعضای جامعه

هرکدام از این بخش ها به نحوی با یکدیگر بر طریق ارتباط هم صحبت است. بنابر این، ضروری است از ارتباط میان این موقعیت ها و نقش فقه در آن، قدری بحث نماییم.

جامعه، مجموعه ای منسجم یافته از بخش هایی گونه گون و مؤثر است که بر همین اساس، پیوند میان بخش های گوناگون آنرا میسر می سازد. گاهی به نحو توصیفی و زمانی به وضع دستوری، به تبیین موقعیت های آن می پردازیم. اینک باید دید چگونه بخش های مختلف آن از ارتباطی منسجم و قانون مند (تکوینی) برخوردارند؟

انسان، موجودی است که خواسته های خود را در دو بعد فطرت و طبیعت می یابد. بنابر این، نیاز های او هم حیثیات مادی را دربرمی گیرد و هم حیثیات روحانی و معنوی را. گاهی این خواسته ها خود را قالب فردی نشان می دهند و گاهی در لباس جمعی نمایان می سازند. بنابر تقسیم اخیر، تنظیم نیاز های بشر در حوزه مدیریت او، آسان تر می گردد.

پس اگر کلان نگری کند جز نظر به جزئی نگری نمی تواند باشد و اگر به آموزش او می پردازد، نباید از امر تربیت و همچنین سلامت روانی و تکاملی او غفلت نماید. پرداختن به سیاست خارجی و سیاست داخلی، تنافی با هم ندارد. غایت هر دو امر نباید جز تکامل جامعه و خدمت به نظام جهانی باشد. تمام این نگرش ها درگرو توجه صحیح به معارف فطری و نوع دیدگاه انسان شناسانه است. بنابر این، مدیریت فرهنگی درست و به جا، در تمام عرصه های مدیریتی تأثیر گذاری خود را ایفا می کند. لذا بایستی به دامان دین و معارف حیات بخش آن، بود تا بتوان مدیریتی بر اساس فطرت الهی خود برقرار ساخت. و جایگاه فقه در همین جا ظاهر می شود.

#### نتیجه

سبک زندگی اسلامی و فرهنگ دینی ارتباطی ژرف و تنگناگ دارند. زیرا سبک صحیح زندگی تابع نوع بینش های تفکر یک جامعه و منش عملی و فرهنگ آن جامعه است. زیرا بعد گرایش انسان پیرو بخش بینشی او می باشد و شیوه های فرهنگی

است که سبک زندگی را ایجاد می کند. آن چه در این میان به فرهنگ رونق بخشد سه چیز است: قرآن، سنت و عقل. بنابر این، مسائلی همچون سیره شناسی و فقه پویای شیعه یاور ما در تبیین مباحث سبک زندگی خواهد بود.

منابع و مأخذ

طباطبائی، محمد حسین، پاورقی مطهری، مرتضی، اصول فلسفه و روش رئالیسم، انتشارات صدرا، قم، جلد ۲

شهید مطهری، مرتضی، کلیات علوم اسلامی (فقه-اصول)، نشر صدرا، قم ج ۳

آیت الله جوادی املی، عبدالله، ادب فنای مقربان، انتشارات اسراء، قم ج ۲

مجموعه آثار شهید استاد مطهری، انتشارات صدرا

هال، جان آر و جونیتس، مری، ترجمه فریبرز مجیدی، ۱۳۹۰، فرهنگ ازدیدگاه جامعه شناختی، انتشارات سروش، تهران

نکته: در مقاله حاضر، از نرم افزارهای مؤسسه کامپیوتری علوم اسلامی نور نیز استفاده شده است.